

A functionalist study of the relationship between culture, economy and security of Zarand in Kerman during the first Pahlavi period

Mohammad Sajad Shiroudi^{*}, Azam Alikhani^{}**

Morteza Shiroudi^{*}**

Abstract

How to implement and implement security in the form of an institution related to culture and economy depends on a complex network of individual, social and institutional relationships, in fact, security is a cultural, economic and... answer to the comprehensive needs of people and also Security is responsible for the protection of human beings, of which the government in the macro dimensions and the checkpoints in the smaller levels are its crystallization and embodiment, hence, understanding the concept of security in accordance with Malinowski's functionalism theory in response to the human need for security, is a problem This is research. In order to achieve this understanding of the technique of studying library resources, documents were observed and interviews were conducted. Theme analysis was used to analyze the findings in the form of functionalism theory. The themes extracted from this research in the form of "need", "institution", "mandate", "employees", "regulations" and "activity" have been the focus of the classification of the findings of the present research, the result of which is this finding: security is a need. The answer to this need is possible only through culture, economy and related components.

* Assistant Professor of Political Science, University of Officers and Police Training, Imam Hassan Mojtabi, Tehran, Iran (AS) (Corresponding Author), m.s.shiroody@gmail.com

** Instructor, Ph.D. in Anthropology, Islamic Azad University, Tehran Central Branch Tehran, Iran, alikhani58aa@gmail.com

*** Associate Professor of Political Science, Civilization and Political Department, Islamic Civilization Research Center, Tehran, Iran, dshirody@yahoo.com

Date received: 04/08/2023, Date of acceptance: 03/02/2024



Keywords: Security, culture, first Pahlavi, Zarand, functionalism and Malinovsky.

بررسی کارگرایانه رابطه فرهنگ، اقتصاد و امنیت زرنند کرمان در دوره پهلوی اول

محمد سجاد شیرودی*

اعظم علیخانی**، مرتضی شیرودی***

چکیده

چگونگی اجرا و پیاده‌سازی امنیت در قالب یک نهاد مرتبط به فرهنگ و اقتصاد، به شبکه پیچیده‌ای از روابط فردی، اجتماعی و نهادی بستگی دارد، در واقع، امنیت، پاسخی فرهنگی، اقتصادی و ... به نیازهای همه جانبه مردم است و نیز، امنیت، محافظت از انسان را برعهده دارد که دولت در ابعاد کلان و پاسگاه‌ها در سطوح خردتر، تبلور و تجسمی از آن هستند، از این رو، درک از مفهوم امنیت منطبق بر نظریه کارکردگرایی مالینوفسکی در پاسخ به نیاز انسان به امنیت، مسأله این پژوهش است. برای دستیابی به این درک، خوانش «واقعیت‌های فرهنگی و اقتصادی دوره پهلوی اول» در قالب یک مطالعه موردی و با استفاده از یافته‌های شبکه مستخرج از تکنیک مطالعه منابع کتابخانه‌ای، مشاهده اسناد و مصاحبه در برش زمانی ۱۳۰۰ الی ۱۳۲۰ صورت گرفت. برای تحلیل یافته‌ها در قالب نظریه کارکردگرایی از تحلیل مضمون، استفاده گردید. مضامین مستخرج از این تحقیق در قالب «نیاز»، «نهاد»، «منشور»، «کارکنان»، «ضوابط» و «فعالیت»، محور طبقه‌بندی یافته‌های پژوهش حاضر شده‌اند که حاصل آن، این یافته است: امنیت یک نیاز است. پاسخ به این نیاز، تنها از طریق فرهنگ، اقتصاد و مؤلفه‌های مرتبط به آن، میسر است. عدم توجه به این موضوع، امنیت زرنند کرمان دوره پهلوی اول را با چالش‌های متعدد مواجه کرد.

* استادیار علوم سیاسی، دانشگاه افسری و تربیت پلیس امام حسن مجتبی (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

m.s.shiroody@gmail.com

** مربی، دکترای مردم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران، alikhani58aa@gmail.com

*** دانشیار علوم سیاسی، گروه تمدن و سیاسی، مرکز پژوهشی تمدن اسلامی، تهران، ایران، dshirody@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۴



کلیدواژه‌ها: امنیت، فرهنگ، پهلوی اول، زرنند، کارکردگرایی و مالیونفسکی.

۱. مقدمه

۱. امنیت در لغت به معنای «ایمنی، آرامش، آسودگی و درمان بودن» است (عمید ۱۳۶۳: ۱۹۸) و آن، حالتی است که به موجب آن، هرکسی فارغ از بیم تهدید به جان، مال و شرف و آبروی خود و یا از دست دادن آن‌ها، زندگی می‌کند. امنیت در مکتب تفسیری، یک مفهوم عملی دارد؛ چرا که سیاست‌های امنیتی هر واحد سیاسی، مبتنی بر اهداف و اغراض از پیش تعیین شده‌ای است که درک جوهره امنیت، بدون توجه به آن، غیرممکن می‌نماید. در این چشم‌انداز، امنیت به مثابه یک مفهوم عملی، متشکل از سه عنصر اساسی است: عنصر ناظر بر نیت بازیگر (انگیزه نهادها)، عنصر ناظر بر زمینه عمل (اخلاقیات، قوانین، ضوابط اجتماعی) و عنصر ناظر بر فیزیک عمل (سیاست اتخاذ شده و به اجرا گذارده شده) (افتخاری و نصری ۱۳۸۳: ۷۸ و ۷۹) با خودنمایی کردن بیش از پیش "جامعه بشری" و "جامعه جهانی" همراه است و روند جهانی شدن آن را تسریع می‌نماید، فضاهاى جدیدی، مثل اهمیت یافتن فرد انسانی آفریده می‌شود (ابراهیمی ۱۳۷۹: ۱۲۳).

۲. به اعتقاد ژاک ژان روسو (Jean-Jacques Rousseau) هر فرد، تمام حقوق خودش را به کل جامعه واگذار می‌کند. وضعیت برای همه یکسان است و با در نظر گرفتن وضعی برای همه، هیچ‌کس نفعی ندارد که برای دیگری وضع را تغییر یا دشوار کند لذا، می‌توانیم بگوییم او تمام حقوق خودش را واگذار کرده و به جای آن، تمام آن چیزهایی که او نیاز داشت و آن امنیت است، کسب کرده و در اختیار گرفته است (روسو، ۱۳۴۱: ۵۱-۷۲). در میان تعاریف امنیت، دو مورد زیر جامع‌تر به نظر می‌رسد:

الف- وجود اطمینان به سلامت تن و جان، مال و ناموس،

ب- مصون بودن و حالت فراغت عموم افراد جامعه از تهدیدات یا اقدامات خلاف قانون شخص، گروه یا دولت

۳. با این همه صاحب‌نظران، امنیت اجتماعات بشری را به پنج مقوله تقسیم می‌کنند؛ نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی (فراهانی ۱۳۸۴: ۱۴۳). این تقسیمات در فهرست موضوعی نهج‌البلاغه (دشتی ۱۳۸۲: ۵۶۴) با تعاریف: امنیت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، قضائی، مرزی و معنوی ذکر شده است. در این میان، امنیت اجتماعی به

بررسی کارکردهای رابطه فرهنگ، اقتصاد و ... (محمد سجاد شیرودی و دیگران) ۶۳

قابلیت حفظ الگوهای سنتی، زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی با شرایط قابل قبولی از تحول سازنده مربوط است (فراهانی ۱۳۸۴: ۱۴۳). به لحاظ نقشی که فرهنگ در هویت و موجودیت انسان و پیشرفت جوامع بشری دارد، همچنین به علت نفوذ گسترده فرهنگ بر همه ابعاد زندگی بشر و نیز تأثیری که مسائل فرهنگی بر سایر ابعاد امنیت دارد، تأمین امنیت فرهنگی موقعیت، حساسیت و اهمیت بیشتری دارد. هیچ جامعه‌ای بدون داشتن امنیت فرهنگی به امنیت پایدار سیاسی و اجتماعی نمی‌رسد. در حقیقت، ارتقاء فرهنگی موجب امنیت اقتصاد، سیاسی و ... فراهم می‌شود (بابالیان و رادبین ۱۳۹۳: ۲۵). بنیاد نظریه‌های جدید در حوزه امنیت جهانی، فرهنگی است. بسیاری معتقدند که محیط‌های واحدهای سیاسی در نظام بین‌الملل، فرهنگی است و نظام‌های اقتصادی، سیاسی و مسائل نظامی بر بنیادهای فرهنگی استوار است (نائینی ۱۳۸۵: ۲۱۱).

۱.۱ پیشینه تحقیق

۱. سه کتاب نزدیک به موضوع و محتوای مقاله از زرند کرمان به شرح زیر به دست آمده است:
کتاب زرند به روایت پیشینیان اثر علی نکویی به بررسی تاریخ زرند نوشته است.
کتاب گنجینه از زراوند تا زرند اثر آقای حسن سهرابی زرنندی به پیشینه مکتب خانه ها، آموزش و پرورش، مطبوعات و مرکز آموزش عالی شهرستان زرند پرداخته است.
کتاب از زراوند تا زرند اثر دیگر نامبرده به بررسی سیر وقایع تاریخی، اجتماعی و سیاسی زرند اشاره کرده است.
۲. با جستجو در سامانه ایرانداک نزدیک ترین پایان نامه های به موضوع و محتوای مقاله عبارتند از:
فرهنگ نامه بناهای تاریخی شهرستان زرند اثر یگانه بحرینی کارشناسی ارشد دانشگاه شهید باهنر کرمان
بررسی وضعیت وقف در شهرستان راور در دوران قاجار و پهلوی اثر زهرا آبادیجو کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا
۳. مهدی سهرابی زرنندی در مقاله موقعیت مذهبی زرند تا ۱۳۵۷ با اشاره به اسنادی از دوره پهلوی اول به علت، نحوه و میزان برخورد مأموران و نظامیان دولتی با مقوله حجاب می پردازد

و در آن نامه عبدالکریم ابراهیمی بخشدار زرند در ۱۳۱۷ به فرماندار کرمان را مورد بررسی قرار می دهد. ابراهیمی در این نامه به کمی عده و غده در برخورد حجاب سخن می گوید.

با دقت در محتوای منابع مذکور نشان می دهد که موضوع و محتوای مقاله از تازگی برخوردار بوده به ویژه این که این مقاله بر پایه نظریه کارکردگرایی مالینوفسکی تدوین شده است که از آن در هیچ یک از منابع مرتبط به زرند اثری نیست!

۲. چهارچوب نظری

یکی از کسانی که در شناخت ما از سازمان اجتماعی سهم عمده ای داشته، مردم شناس مشهور برانیسلاو مالینوفسکی (Bronisław Malinowski) لهستانی است. او معتقد است که عناصر گوناگون هر جامعه، کارکردی برای خود دارند زیرا؛ نیازهای فرهنگی مردم آن جامعه را برآورده می سازند (بیتس و پلاگ ۱۳۹۰: ۷۱). مالینوفسکی در نظریه کارکردگرایی خود نقش مهمی برای فرهنگ قائل است. به طور کلی کارکردگرایی به پیوستگی متقابل میان اجزای یک کلیت اجتماعی و کارکرد ضروری آنها در انسجام اجتماعی تاکید دارد. او معتقد است تمام مؤلفه های فرهنگ، کارکرد مشخصی برای تامین نیازهای روانی، اجتماعی و زیستی فرد دارند. پس از تامین نیازهای فرد است که نیازهای جامعه به صورت یک کل نیز، تامین می شوند. در نزد مالینوفسکی، کارکرد، پاسخی است فرهنگی به نیازهای فردی و زیستی. مفهوم کارکرد از دید مالینوفسکی عبارت است از اینکه فرهنگ به یک سری از نیازهای زیستی و اجتماعی انسان پاسخ می دهد و جزئی از یک نظام کلی است که اجزا و عناصر مختلف فرهنگ با توجه به نیازهای هر نظام و جامعه، به تامین آن نیازها می پردازند. (مالینوفسکی ۱۳۸۴ الف: ۱۷۱)

نظریه کارکردگرایی مالینوفسکی، تجزیه ملموس فرهنگ به نهاد و سپس به مشخصات تفکیک پذیر را ممکن می سازد. نظریه کارکردگرایی مالینوفسکی بر این نکته تأکید می کند که تمام خصوصیات فرهنگی برای برآوردن احتیاجات افراد در جامعه به وجود آمده اند. یعنی کارکرد، یک خصوصیت فرهنگی است که برای برطرف کردن برخی از نیازهای اولیه اعضای گروه خلاصه می شود. بعضی از عناصر فرهنگ، این نیازهای اولیه را رفع می کند پس از آن، نیازهای ثانویه نیز وجود دارند که باید پاسخ داده شوند. (مالینوفسکی ۱۳۸۴ ب: ۱۸۵)

وی بر این باور است که جامعه برای برآوردن نیازهایش، نهادهایی را پدید می آورد که این نهادها علاوه بر اینکه باید نیازهایی را برآورده سازند، بایستی با یکدیگر نیز سازگاری داشته

باشند. پس ابعاد گوناگون هر جامعه را باید بر حسب نهادها و کارکردهای شان مورد تحلیل قرار داد زیرا؛ کارکرد اصلی نهادها برآوردن نیازهای افراد و خود آن جامعه است (مالینوفسکی ۱۳۸۴: ب: ۱۰۳) مالینوفسکی ثابت می‌کند، مشخصه‌های فرهنگی می‌بایست همراه با بقیه موارد فرهنگی، مورد مطالعه قرار گیرند، زیرا هر خصیصه‌ای، مرتبط با خصیصه‌های دیگر جامعه است و لازم است کلیه این مشخصه‌های فرهنگی در یک بررسی کامل - که مالینوفسکی آن را نظریه یکپارچگی (ادغام) نامیده - بررسی شوند. وی فرهنگ را به مثابه یک ماشین کامل می‌داند و نشان می‌دهد، همچنان که در موتور ماشین، قسمت‌های گوناگون در ارتباط با یکدیگرند و ایراد یک قسمت بر دیگر اجزا، تأثیر می‌گذارد به طوری که ضعف یکی موجب نقصان کل فرهنگ می‌شود. تمامیت فرهنگی در روش مالینوفسکی، شامل یک نهاد با شمولیت همه اجزای یک فرهنگ است. تفسیر مالینوفسکی از فرهنگ اثبات می‌کند، هر خصیصه فرهنگی باید مرتبط با کل فرهنگ، مورد بررسی قرار گیرند (سعیدی مدنی ۱۳۸۶: ۲۸۳ و ۲۸۴). از نظر مالینوفسکی انسان با کسب ویژگی‌هایی در دوره تکاملی‌اش، شکل خاصی از سازگاری زیستی را ممکن ساخته که ما آن را فرهنگ می‌نامیم. بنابراین، فرهنگ ارزش زیستی دارد. مالینوفسکی معتقد بود که کلیه عناصر فرهنگی، کارکردی دارند که باید آن را انجام دهند. مالینوفسکی و همکارانش معتقد بودند، عنصر فرهنگی‌ای فاقد کارکرد است که دارای دوام و بقا، به‌خصوص بقای فرهنگی نباشد و یک عنصر فرهنگی با عنصر دیگری ترکیب می‌شود و اگر در یک عنصر، خللی وارد شود، دیگری را نیز دچار اختلال می‌کند. بنابراین، شیوه کارکردگرائی شامل بررسی و مطالعه ارتباط ساختاری است.

در طرح کارکردگرائی مالینوفسکی، هدف اولیه هر جامعه حیات است. طبق منشور او، در هر جامعه‌ای افرادی وجود دارند که هنجارها و یا به عبارتی مجموعه‌ای از ارزش‌ها را دارند. بر طبق نظر مالینوفسکی، این ارزش‌ها و هنجارها به افراد الهام می‌بخشند تا با ابزارهای شان، فعالیت‌های مختلف را خلق کنند و این فعالیت‌ها، بر طبق گفته‌های مالینوفسکی، منجر به عمل (کارکرد) می‌شود. وی در کتاب «نظریه علمی فرهنگ» می‌نویسد: «روش کارکردگرائی، تحقیقی است برای نشان دادن تصویر واقعیت‌های فرهنگی» (سعیدی مدنی ۱۳۸۶: ۲۹۲-۲۹۰) از دیدگاه مالینوفسکی، فرهنگ عامل سازگاری است و بدون ارضای نیازهای زیستی و فرهنگی، هیچ انسانی به خودی خود دوام و بقا ندارد (سعیدی مدنی ۱۳۸۶: ۲۸۹-۲۸۷).

مالینوفسکی میان کارکرد و منشور نهادها، تفاوت قائل است. منشور، اهداف اعلام شده نهادها و اعضاء آنها را شامل می‌شود در حالی که کارکرد به آن مواردی گفته می‌شود که از

جنس اهداف آگاهانه نیست لذا، دو مفهوم اصلی در کارکردگرایی مالیونفسکی مفهوم نیاز و نهاد است:

مفهوم نهاد (سازمان): نهاد مفهومی است که نیاز به توافق متقابل در مورد مجموعه‌ای از ارزش‌ها دارد که افراد را در راستای تحقیق هدفی مشترک گردهم می‌آورد و سازمان می‌دهد. علاوه بر آن تشکیل نهاد، مستلزم آن است که انسان‌ها با یکدیگر و با عناصر مادی و مشخص محیط طبیعی و مصنوعی خویش ارتباط برقرار کنند. انسان‌ها که به واسطه هدف و یا وظیفه به هم وابسته‌اند، بر هنجارهای پیرامون خود هم تأثیر می‌گذارند. نهاد به باور مالیونفسکی پایه و اساس فرهنگ را تشکیل می‌دهد و هر نهادی دارای طرح و ساختار کاملاً مشخصی است که آنها را چنین شرح می‌دهد: ۱- منشور (اساس‌نامه) ۲- کارکنان ۳- مقررات یا هنجارها ۴- امکانات مادی ۵- فعالیت ۶- کارکرد (مالیونفسکی ۱۳۸۴: ۱۴۰-۱۳۲). بدین ترتیب درک او از نهادها، بخشی از تحلیل وی از فرهنگ را تشکیل می‌دهد (سعیدی مدنی ۱۳۸۶: ۲۸۴).

مفهوم نیاز: سنت فرهنگی یا نهادی که از طریق آن، نیازهای مان را برآورده می‌سازیم، باید از نسلی به نسل دیگر انتقال داده شود و به همین دلیل، باید سازوکارهای آموزشی و تربیتی در هر فرهنگی وجود داشته باشد. البته فرهنگ برای مالیونفسکی، بیانی زیست‌شناختی دارد و منظورش این است که فرهنگ نحوه سازماندهی‌ای است که بر ارضای نیازهای زیستی هر جامعه تأثیر می‌گذارد و آنها را دگرگون می‌کند و نیازهای فرهنگ به‌طور مداوم در حال تطوّرند (مالیونفسکی ۱۳۸۴: ۶۳-۴۸). مالیونفسکی در تعریف نیاز می‌گوید: «به‌وسیله نیاز، من به سیستمی از موقعیت‌ها در سازمان انسانی در وضعیت فرهنگی و در ارتباط با هر دوی این‌ها که برای گروه و سیستم کاملاً مکفی و ضروری است، رسیده‌ام» (سعیدی مدنی ۱۳۸۶: ۲۸۶).

در این تعریف از نیاز، مالیونفسکی بر سیستم تأکید می‌کند. شرایطی ناظر بر هماهنگی انسانی که مستلزم محرک‌های معین زیست‌شناسی خاص در زنجیره‌ای از مسائل حیاتی است. سرانجام مالیونفسکی جدولی از احتیاجات اساسی انسان را تهیه کرد که بر شرایط کلی بقای فرد و گروه تأکید می‌کند که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: (سعیدی مدنی ۱۳۸۶: ۲۸۷).

(جدول ۱)

نیازهای اصلی	پاسخ‌های فرهنگی
آسایش و راحتی بدن	پناهگاه
امنیت	حراست کردن
رشد	تعلیم
سلامتی	بهداشت

مفهوم کلیدی نظریه نیاز مالینوفسکی، استاندارد فرهنگ زندگی است. بدین معنی که نیازهای جدیدی آشکار می‌شوند و به‌طور الزامی، عوامل موثر به رفتار بشری یکی بعد از دیگری بر او تحمیل می‌شود. نظریه نیاز، زمینه‌ای را فراهم می‌آورد که به‌واسطه آن، به بعضی از مسائل حیاتی و مهم اجتماعی پرداخته می‌شود (سعیدی مدنی ۱۳۸۶: ۲۸۹). مالینوفسکی نیازها را به انواعی تقسیم کرده است:

(۱) نیازهای زیستی و بنیادین: نیازها به باور مالینوفسکی پیش از هر چیز به موجودیت زیستی انسان باز می‌گردند. البته یک زنجیره حیاتی در همه فرهنگ‌ها وجود دارد که در سه سطح میل یا گرایش بنیادی (غریزه)، عمل و پاسخ با هم ارتباطی پایدار دارند و به وسیله ابزارهایی چون اشیا، تکنیک و فن، سنت و ... به نیازها پاسخ می‌دهند.

(۲) نیازهای اشتقاقی: نیازهای اولیه در قالب پاسخ‌های فرهنگی متفاوت اشکال متفاوتی به خود می‌گیرند که در واقع همان نیازهای ثانویه را موجب می‌شوند. مالینوفسکی بر آن است که ارضای نیازهای رده اول، سبب ایجاد نیازهای ثانویه می‌شود که آنها را نیازهای اشتقاقی یا الزامات فرهنگی نامیده است. در واقع پاسخ مناسب به نیازهای اشتقاقی، ایجاد نهادهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است که انسان را وارد سازمان‌یافتگی فرهنگی بیشتری می‌کند. از نظر او فرهنگ، ابزاری است که به انسان قدرت، امکان ادامه زندگی، داشتن رفاه، کامیابی و امنیت می‌دهد. همچنین فرهنگ را به‌عنوان وسیله‌ای که با هدفی مناسب سازگاری داشته باشد، مطرح کرد. که بر این اساس باید آن را دارای جنبه ابزاری و کاربردی دانست.

(۳) نیازهای انسجام‌بخش: سرانجام پس از پاسخ یافتن نیازهای رده دوم، گروه‌سومی از نیازها ظاهر می‌شوند که مالینوفسکی آنها را نیازهای انسجام‌دهنده و روحی می‌نامد؛ مثل: دین، ایدئولوژی و جهان‌بینی (مالینوفسکی ۱۳۸۴: ۹۳-۱۰۳).

مالینوفسکی دو نوع ضرورت ابزاری و تام را برای ایجاد شرایط برای تداوم جامعه قائل است. ضرورت ابزاری را نظام امنیتی، نظام اقتصادی، قوانین ابتدائی، آموزشی و نظایر آن می‌توان دانست در حالی که مذهب، دانش، ارزش‌ها و اموری از این قبیل در گروه ضرورت تام قرار می‌گیرند. به‌عنوان مثال: در زمینه رفتار انسانی، هر آنچه که با دستورالعمل‌های فنی، عرفی، اخلاقی یا حقوقی در ارتباط باشد باید در سطح اعمال و مجازات‌ها به‌عنوان ضرورت، کدگذاری و تنظیم شود که پاسخ فرهنگی به آن کنترل اجتماعی است (سعیدی مدنی ۱۳۸۶: ۲۸۹).

بنابه نظریه کارکردگرائی مالینوفسکی، امنیت از جمله نیازهای اولیه‌ای است که پاسخ فرهنگی مناسب آن، محافظت و نهاد حاصل از آن، نیروهای امنیتی و انتظامی است که این نهاد، ساختار، عناصر و فرایندهایی را شامل می‌شود که در این جستار، نیاز امنیت و پاسخ‌های آن را در جامعه زرنند در دوران پهلوی اول در قالب هفت عنصر اصلی این فرایند که مالینوفسکی آنها را مطرح نموده، مطالعه می‌نمائیم:

۱. منشور: یعنی نظام ارزش‌هایی که نهاد را به‌وجود آورده‌اند یا باور به ارزش‌هایی که به موجودیت آن نهاد، معنی می‌دهند (فکوهی ۱۳۸۶: ۱۶۸). ارزش‌ها به‌عنوان احساسات ریشه‌دار و جاافتاده مشترک، میان اعضای جامعه (کوئن ۱۳۷۲: ۱۹۹) بنیان منشور و پایه‌گذار نهاد (نظام روابط اجتماعی الگوشده و سازمان‌یافته‌ای است که در قالب آن، کارکردها و برآوردن نیازهای ضروری فردی و گروهی ممکن می‌شود) (کوئن ۱۳۷۲: ۶۳) می‌باشند. ارزش و هنجار، مطلوب و نیاز اساسی امنیت در هر جامعه است که نهادهای امنیتی‌ای همچون پلیس را بارور می‌سازند که منشور ایشان مبین همین نظام‌های ارزشی است، از این رو مایه تعجب نیست که در نظام‌نامه ژاندارمری آمده است: «ژاندارمری عبارت است از یک قسمت نظامی که برای حفظ امنیت عامه و کفالت در نگهداری و نظم و اجرای قوانین و نظام‌نامه‌های اداره عدلیه و مالیه برقرار شده است». این بند از نظام‌نامه بر عنصر نظم و قانون از یک سو و عدالت از سوی دیگر به‌مثابه ارزش اجتماعی تأکید دارد. در همین راستا است که "رضاخان سردارسیپه در روز پانزدهم آذرماه ۱۳۰۰ خطاب به «آقایان صاحب‌منصبان اداره ژاندارمری» متذکر شد که

مطالعات چند ماهه من در کار اداره ژاندارم و طرز جریان فعلی امور آن اداره مرا مجبور ساخت که امروز شما را احضار کرده... چون اکثریت شماها از صاحب‌منصبان تحصیل کرده لایق، آزموده و هریک به نوبه خود فهمیده‌اید... تصریح می‌نمایم که خدمات ژنرال

بررسی کارکردهای رابطه فرهنگ، اقتصاد و ... (محمد سجاد شیرویدی و دیگران) ۶۹

یالمارسون، تشکیل دهنده ژاندارمری، ... و همین طور زحمات کلنل گلوپ، کفیل ریاست تشکیلات حالیه، کاملاً در نظر من و پیشگاه مملکت منظور و سعی آنها مشکور است... نظر به اینکه ژاندارم کنونی مدتی است از صورت قراسورانی خارج و به یک قسمت نظامی تبدیل شده و مستشاران خارجی برخلاف دوره‌های سابق نباید مداخله مستقیم در امورات قشونی داشته باشند، ... از امروز من اداره ژاندارمری را در تحت نظر و ریاست مستقیم خود گرفته، و رسماً منحل و الحاق آن به قشون متحدالشکل جنبه عملی به خود گرفت. (روزنامه شرق ۶ اسفند ۱۳۹۳، کد خبر ۳۹۲۷۲۷)

۲. کارکنان: منظور از کارکنان یعنی مجموعه افرادی که عملاً در نهاد شرکت دارند و منشور آنرا به عمل درمی آورند (فکوهی ۱۳۸۴: ۱۶۸). امام علی (ع) در سنخ‌شناسی مردم، نخستین گروه را سپاهیان (نظامیان) می‌داند (شاید علت مقدم داشتن آن، این باشد که مهمترین اصل هر جامعه‌ای حفظ امنیت و اجرای قانون است) (دشتی ۱۳۸۸: ۳۱۳) نهاد امنیتی در دوران پهلوی اول در زرنند، پاسگاه امنیه بخش زرنند است که کارکنان آن، مأمورین و نیروهای نظامی شاغل در آن و همچنین عوامل مرتبط با ایشان، موظف به اجرای فرامین دولت، پاسگاه و کدخدایان روستاها و محلات بوده‌اند. تامین نظم و امنیت، همواره با راه‌کارهای مختلفی از سوی مردم سرزمین‌های گوناگون اجرایی می‌شده است. بدین سبب، عوامل و کارکنان نهادهای امنیتی را در نگاهی کلان به ساختار مورد مطالعه، می‌توان از نیروهای محلی و همچنین کنشگران اجتماعی آن (ساختار) برشمرد. در این باره می‌توانیم به سندی از علی آگاه که آن را به نقل از منشی حسین خان شجاع رئیس ایل بپاچی بیان کرده، اشاره کنیم:

همین ماه قبل، یکی دو نفر از فرماندهان این‌جا بودند و با مسئولین ایل، ملاقات و گفته بودند، حالا کسی به کسی نیست، شما مجدد راه‌ها را ببندید و مسافری را لخت کنید و هرچه دارند، بگیرید و سهم خود را بردارید و سهم ما را هم مرتب بدهید. وقتی گفته بودند زمان قدیم گذشته و ما احتیاجی به این کار نداریم، گفته بودند پرونده‌های قدیم شما در ستاد ارتش موجود است و اگر اقدام نکنید، آن پرونده‌ها را زنده و از طریق آن، پدرتان را در می‌آوریم. یکی از مسئولین ایل گفته بود، ما سلاح نداریم. فرمانده گفته بود، نگران آن نباشید. (آگاه ۱۳۸۴: ۲۳۵)

در این سند، رابطه بین فرهنگ، امنیت و اقتصاد به روشنی دیده می‌شود، در واقع، تاریخ زرنند نشانگر برخی از درگیری‌های داخلی و خارجی^۱ و روش‌های ایجاد ثبات

نظم و امنیت در دوره‌های تاریخی مختلف است. از جمله راه‌کارهای تامین امنیت در شهرستان زرنند را می‌توان در موارد ذیل خواند:

۱.۲ انعقاد پیوندهای خویشاوندی و وصلت‌های سیاسی: انعقاد پیوندهای خویشاوندی

و وصلت‌های سیاسی در میان عوامل و کارکنان نهادها و ساختارهای حکومتی را می‌توان هم پیشینه فعالیت‌های حوزه امنیت و هم عنصر فرهنگی موثری با کارکردی پنهان در ساختار میدان مورد مطالعه دانست. مشاهده منابع کتابخانه‌ای، درگیری‌ها و منازعات دیرباز حاکم، میان خان‌های زرنند را یکی از عوامل ناامنی منطقه و بی‌نظمی و آشوب دلالت می‌کند. سهرابی وضعیت سیاسی زرنند را در آن دوره چنین ترسیم کرده است: «مرتضی قلی‌خان که چندی حاکم شهر زرنند بود با عمه مرحوم پدرم ازدواج نموده بود. ثمره این ازدواج تولد فرزند برومندی به نام محمدرضاخان اسفندیاری است که بعدها از طرف حکومت وقت ملقب به عدل‌السلطان گردید. آن مرحوم در روزگار خود یکی از سیاستمداران بزرگ محسوب می‌شد مرتضی قلی‌خان پسر دیگری به نام حسین اسفندیاری ملقب به سردار نصرت نیز داشت که از عدل‌السلطان بزرگتر بوده، این دو برادر سال‌های متمادی در مقام ریاست قشون و ریاست ژاندارمری انجام وظیفه می‌کرده‌اند. در قدیم ژاندارمری به‌نام قره‌سوران معروف بود و عدل‌السلطان ریاست آن را برعهده‌داشت و سردار نصرت نیز ریاست قشون را عهده‌دار بود. بیشتر کاروان‌سراها و آب‌انبارهای راه‌رود به کویر از کرمان تا خراسان و از کرمان تا تهران به دستور مرتضی قلی‌خان و پسرش محمدرضاخان اسفندیاری به‌وجود آمده است. عدل‌السلطان که به عنوان اولین حاکم و مامور صلح کرمان، در سال ۱۳۰۵ شمسی وارد زرنند شد جهت کم‌کردن نزاع و دودستگی دختر مرحوم مختارالملک را به همسری مرتضی قلی‌خان اسفندیاری درمی‌آورد» (سهرابی زرنندی ۱۳۸۵: ۱۵ و ۱۶).

۲.۲ بهره‌مندی از نیروهای محلی (حراست محلی): برقراری نظم و امنیت در کل

ولایات و روستاهای ایران با یک ساختار کلی تقریباً یکسان همراه بوده‌است. از مهمترین عوامل ایجاد نظم در روستاها کدخدایان بوده‌اند. در تبیین جایگاه و کارکرد نقش کدخدا، باید ابتدا به تعریف این عنصر موثر در ساختار نظم و امنیت پردازیم و سپس منطبق بر اسناد موجود فعالیت‌های ایشان را مطالعه نماییم.

کدخدا، با کمک ریش سفیدان، پاکارها و میرابها، مجموعه‌ای از فعالیت‌های تاثیرگذار را انجام می‌داد. میانجی‌گری در دعوایها، اتحاد و تصمیم‌گیری‌های جمعی و اجرای آنها بر عهده او بود. او نزد دنیای خارج به ویژه نزد زمین‌داران، رؤسای ایلات و مقامات شهری، نماینده روستا به شمار می‌رفت. به تقسیم آب در کشتزارها کمک می‌کرد. نگهداری زمین‌های مشترک، جنگل‌ها، حمام عمومی، مساجد و از همه مهم‌تر حصارهای روستائی ساکنان، بر عهده کدخدا بود. نظارت بر گردش سالانه برخی زمین‌های کشاورزی به منظور کسب اطمینان از این که خانواده‌های روستائی به طور منصفانه‌ای به زمین‌های کشاورزی و حاصلخیز دسترسی دارند، بر عهده او بود. کدخدا همچنین گروه‌های شخم‌زنی موسوم به *بینه* را هماهنگ می‌کرد. افزون بر این کدخدا در گردآوری مالیات به مقامات محلی کمک می‌کرد؛ اگر چه میزان مالیات پرداختی روستاها را مستوفیان تعیین می‌کردند، اما؛ تعیین سهم هر یک از خانواده‌ها عملاً بر عهده کدخدا بود. خلاصه اینکه کدخدا همه‌کاره بود؛ قاضی، پلیس، مدیر، دیپلمات و مامور مالیات. کدخدا فعالیت‌هایش را با متنفذان و اعیان محله، قاضی شرع، امام جمعه، شیخ الاسلام، داروغه و محتسب هماهنگ می‌کرد. نظارت و سرپرستی قهوه‌خانه‌های محل، حمام و اصناف را نیز بر عهده داشت. کارش نه تنها ترتیب دادن مجالس دعا و عزا و عروسی و استقبال از زائران بود بلکه؛ گردآوری پول برای نیازمندان، تعمیر مساجد محلی و مدارس و تکایا را نیز بر عهده داشت (آبراهامیان ۱۳۸۹: ۶۲-۶۰).

۳.۲ تشکیل نهاد امنیتی دولتی: بر حسب زمان و نیازهای جدید و همچنین پیچیده‌تر شدن ساختار و کارکردهای روزانه زندگی مردم تغییرات کاربردی در شکل و عملکرد ساختار امنیتی زرنند صورت پذیرفت. رضاخان در اسفند ۱۲۹۹ با عنوان جدید سردار سپه وارد کابینه شد، در حالی که در آبان ۱۲۸۸ دولت با موافقت کامل مجلس یازدهم، افسری سوئدی را برای تشکیل ژاندارمری و شانزده کارشناس مالی آمریکائی را برای سازماندهی امور مالی استخدام کرد (آبراهامیان ۱۳۸۳: ۱۲۹).

رضاشاه، در مراسم تاجگذاری در چهارم اردیبهشت‌ماه ۱۳۰۵، از توسعه قوه امنیه و بسط معارف (جدید) در کنار برخی اصلاحات اقتصادی-اجتماعی به نام اصلاحات از نوع درجه اول اهمیت، نام برد (مکی ۱۳۷۴، ج ۴: ۴۰). با ایجاد تغییرات در نهادهای امنیتی و تقویت ارتش و تشکیل ژاندارمری و شهربانی و ... در دولت مدرن و نوپای

رضاشاه، بنابه کسری بودجه و تعداد اندک مأمورین و کارکنان آن دستگاه‌ها همچنان، عوامل داخلی و محلی چون کدخدایان حرف نخست را می‌زدند و فعال‌ترین و کارآمدترین کارکنان و رابطان ساختار و نهاد امنیتی منطقه زرنند محسوب می‌شدند.

جدول ۲. فعالیت کدخدایان در نقش کارکنان نهاد امنیه در دوره پهلوی

تم	مضمون	مرجع مضمون
کدخدایان در نقش کارکنان نهاد امنیتی	همکاری کدخدایان در سربازگیری	« دستور فرمایید؛ بخشداران و کدخدایان قراء مربوط با مأمورین اعزامی همکاری نموده تا به وضعیت کلیه مضمولین رسیدگی نموده و ... » (ساکما، ۴۸۰-۲۹۳-۹۹، ب ۹۸)
	الزام کدخدایان به همکاری در سربازگیری	چون به علت سیل‌زدگی اغلب دهات حوزه کدخدایی اینجانب (میرزایی) بوده و درآمدی که از این راه به بنده می‌رسید مسدود گردیده است و بنده با داشتن عائله زیاد دچار سختی معیشت گشته‌ام اینک که موقع جمع‌آوری پسته باغات است ناچار به همکاری با باغداران و ضبط پسته برای تأمین معاش خود شدم درخواست جهت این که یک ماه بنده را از جمع‌آوری مضمول معاف دارید (ساکما: ۳۳۳-۲۹۳-۹۹، ب ۶۳).
	همکاری کدخدایان با ژاندارمری	در دهاتی که فاقد ژاندارمری می‌باشد کدخدای محل مؤظف به تکمیل اوراق بازجویی بوده ولی بخشدار مربوط بایستی صحت امضاء کدخدا و محتویات برگ تنظیم‌شده را تأیید نماید (ساکما؛ ۴۶۰-۲۹۳-۹۹، ب ۱۳۵)
	فعالیت کدخدایان به‌مثابه مأمورین امنیه	رونوشت گزارش مربوط به کدخدای بهاء‌آباد مبنی بر تصرف اشخاص در زمین‌های موات در اطراف فتح‌آباد (ساکما؛ ۹۲۸-۲۹۳-۹۹، ب ۱۰۷).
	فعالیت کدخدایان در راستای منشور نهاد امنیه	عصر چهارشنبه ۱۵ بهمن ماه مجلس جشن چادربرداری نسوان شعبجره در منزل چاکر تشکیل شد... کدخدای شعبجره
	تعهد کدخدایان به همکاری با نهاد امنیه	این بنده ... کدخدای بهاء‌آباد، ملتزم و متعهدم که چنانچه در حدود بهاء‌آباد و سایر دهات خود کدخدائی بنده اشخاص مبادرت به کشت خشخاش نمودند بلافاصله به بخشداری و ژاندارمری زرنند اطلاع می‌دهم چنانچه برخلاف مراتب بالا رفتار نمودم مجازات قانونی را عهده‌دار باشم. کدخدای بهاء‌آباد و توابع

مجموعه اسناد فوق، نشانگر همکاری کدخدایان زرنند با کارکنان نهاد امنیتی و حکومتی در عرصه‌های مختلف، اعم از: سربازگیری، جمع‌آوری مالیات، اجرای طرح‌ها و برنامه‌های حکومتی همچون؛ اجرای طرح کشف حجاب است. کدخدایان حکم پلیس محلی و حراست محلی را در این امور داشته و پیگیری و رسیدگی به گزارشات و تخلفات اعلام شده از سوی ایشان و مردم منطقه، برعهده پاسگاه امنیه زرنند بوده است.

۳. کارکرد: نقش و سهم فعالیت نهاد در هر مجموعه اجتماعی، کارکرد آن به شمار می‌رود (فکوهی ۱۳۸۶: ۱۶۸). کار اساسی و بنیادین نیروهای مسلح و نظامی، تأمین امنیت، مراقبت و پاسداری از جامعه است. امنیت و احساس امنیت در میان شهروندان از نیازهای اولیه و در عین حال بنیادین محسوب می‌شود. امنیت از عناصر اساسی سیاسی و نیز مبنای نظم اجتماعی است^۲ (ترابی ۱۳۸۴: ۳).

نقش کارکنان نهادهای امنیتی در حیطه کارکردهایی است که بر اساس ارزش‌های جامعه و نیز ضوابط و منشورهای تعیین شده از سوی حاکمان، به ایشان سپرده می‌شود. نقش‌های واگذار شده به کارکنان این نوع نهاد، بایستی مبتنی بر نظام ارزش‌های جامعه با هدف نظارت، حراست و پاسداری از همان نظام ارزشی و تحقق نظم، امنیت، استقلال و آزادی آن، جامعه باشد. اقدام نظامیان یا کارکنان ژاندارمری مراکز ایالات همزمان با کودتای ۱۲۹۹ نشان از همراهی آنان در آن بازه زمانی با ارزش‌های اجتماعی است:^۳ در مرکز بعضی از ایالات، نظیر مشهد و کرمانشاه، صاحب‌منصبان ژاندارمری به موازات اجرای کودتا در تهران، به کودتاهای کوچک‌تری دست زدند. در مشهد، کلنل محمدتقی‌خان پسیان به توقیف قوام‌السلطنه، والی خراسان، اقدام کرد و او را به تهران فرستاد. وی سپس به توقیف بسیاری از اعیان و اشراف، مقامات دولتی، مالکان و افرادی از این قبیل در ایالت خراسان مبادرت کرد.^۴ (روزنامه شرق ۶ اسفند ۱۳۹۳، کد خبر ۳۹۲۷۲۷)

۴. ضوابط: یعنی مجموع قواعد و مکانیسم‌هایی که خاص آن نهاد هستند و باید برطبق آن عمل کنند (فکوهی ۱۳۸۶: ۱۶۸). در نظام‌نامه رسمی ژاندارمری مصوب ۱۲۹۱ شمسی وظائف ژاندارمری عبارت است از: یک قسمت نظامی است که برای حفظ امنیت عامه و کفالت در نگاهبانی و نظم و اجرای قوانین و نظام‌نامه‌های اداره عدلیه و مالیه برقرار شده است. این ژاندارمری می‌توانست هم وظائف ژاندارم مامور عدلیه را انجام دهد. در همین نظام‌نامه، در مورد این دو وظیفه چنین گفته شده است: «وظیفه ژاندارم مامورین عدلیه، تجسس و کشف جنحه و جنایت و خلاف و جمع ادله برای ثبوت آنها و تحویل مرتکبین آنهاست به محکمه‌هایی که مامور تنبیه مقصرین هستند و وظیفه پلیس هم حفظ نظم و آسایش عموم است» (بسطامی ۱۳۸۵: ۵۲). نمونه اسناد ذیل، تعیین‌کنندگی وزارت مالیه در بخشی از ضوابط و ماموریت پاسگاه امنیه زرنند نشان می‌دهد.

وزارت مالیه

اداره مالیه - ایالتی کرمان - مالیه زرند (دایره پرسنلی) مورخ ۱۳۱۴/۱۱/۷

نمره ۱۷۷۳۹

موضوع: کشف حجاب

سواد تلگراف نمره ۴۴۶۵۶ مورخ ۱۴/۷/۱۱/۷ وزارت مالیه

تعقیب نمره ۴۲۶۴۵۶ لازم است در برداشتن چادر مراقبت کامل نموده به تمام اعضاء
اخطار کنید چنانچه از ۲۱ بهمن ۱۳۱۴ خانم‌های آنها چادر داشته باشند، بدون استثناء
فورا منتظر خدمت و تعقیب می‌شوند. رؤسای اداراتی که در تعقیب متخلفین مسامحه
نمایند شخصا مسئول و مورد مواخذه واقع می‌شوند.

وزیر مالیه (داور)

سواد تلگراف فوق بمالیه زرند فرستاده می‌شود که آگاه و اجرای نمایند.

از طرف پیشکار مالیه کرمان (امضا) قره‌خاتیان

۲۹۸۹ مورخ ۱۳۱۴/۱۱/۲۰

(حاشیه)

سواد شرح فوق برای آگاهی و اجرا به اداره حکومتی زرند فرستاده می‌شود.

امین مالیه زرند و توابع زرند و توابع (امضا) علی محمد حافظی

۱۳۱۴/۱۱/۲۷. (کرمان در آئینه تاریخ ۱۳۷۶: سند ۷)

۵. **کالبد مادی:** یعنی موجودیت مادی، تمامی ابزارها، اشیاء و فنون (فکوهی ۱۳۸۶: ۱۶۸) عمده‌ترین ابزار یک نظام سیاسی برای رفع تهدید از ارزش‌های محوری و حیاتی آن در واقع نیروهای مسلح می‌باشند. در میان نیروهای انسانی تشکیل‌دهنده سازمان‌های نظامی و انتظامی، سربازان و مشمولان، بدنه اصلی ارتش و موقعیت برجسته‌ای برخوردار هستند (ترابی ۱۳۸۴: ۴). رضاشاه، ارتش نوین را رکن اصلی نظم نوین خود قرار داد و در سال ۱۳۰۵ بودجه دفاعی را به بیش از پنج برابر افزایش داد و سربازگیری را به واسطه قانون نظام وظیفه، نخست از روستاها، سپس از شهرها و سرانجام از عشایر آغاز کرد و نیروهای مسلح از پنج لشکر با ۴۰۰۰۰ نفر را به هجده لشکر با ۱۲۷۰۰۰ نفر رساند. نیروی هوایی کوچک و هنگ مکانیزه را با ۱۰۰ تانک و چند ناوچه در خلیج

فارس تأسیس کرد. او در مراسم عمومی لباس نظامی بر تن می‌کرد، سطح زندگی افسران ارتش را بالاتر از سایر حقوق‌بگیران قرار داد (آبراهامیان ۱۳۸۲: ۱۲۴).

نیروی انسانی یکی از مهمترین سرمایه‌های کالبد مادی نهاد امنیت و محافظت محسوب می‌شود. سرمایه‌های غیرمادی نظیر سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی، در فضای نوین تعریف امنیت، در مقوله‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... گنجانده می‌شود. در نتیجه در اثر این نوع تعاریف، ابزارها نیز متعدد می‌شوند و تخصیص سلاح سرد و گرم به تنهایی، نمی‌تواند معرف کالبد مادی نهاد امنیتی باشد. بدین لحاظ؛ نیروی نظام وظیفه را در کالبد این نهاد جای‌نمایی می‌نمائیم.

سرن نظامی ایران، در اوایل دهه ۱۳۰۰ برای سربازگیری به همان شیوه‌های ناکارآمد کهن متوسل می‌شدند و تلاش‌های ایشان برای سربازگیری از دهقانان، با مقاومت و فرار از خدمت مواجه می‌شود و نتیجه چندانی در پی نداشت. رضاخان، به سرعت از این روش‌ها به ستوه آمد و خشمگین شد. (کرونین ۱۳۸۳: ۷۳).

خدمت نظام وظیفه در ایران همچون همه کشورهای دیگر جهان، اغلب پس از به‌وجود آمدن دولت‌های مدرن دموکراتیک ایجاد شد و هدف آن بود که جای ارتش‌های پیشین که اغلب یا مزدبگیر بودند و یا از اسرا و زندانیان تشکیل می‌شدند و در آنها شاید به‌جز سرداران‌شان، سایر افراد با اهداف سودجویانه یا به اجبار، می‌جنگیدند لذا ضرورت داشت ارتش‌های «دموکراتیک» تشکیل شود که در آنها سربازان و همه درجه‌داران دارای «تعلق» و «حس ملی» باشند و برای ملت بجنگند (فکوهی ۱۳۹۵: ۱). لذا؛ رضاشاه در زمان تصدی وزارت جنگ، تلاش‌هایی برای ایجاد ارتش متحدالشکل و قدرتمند آغاز کرد. بر همان اساس، تغییر و تحولاتی در ساختار ارتش انجام داد. پس از آن اقدامات، در خرداد ۱۳۰۴ قانون نظام اجباری را اعلام کرد و به تصویب مجلس رساند. براساس این قانون، کلیه اتباع ذکور، اعم از ساکنان شهرها و قصبات و قرا، ایلات و عشایر و مقیمان خارج از کشور، از اول سن بیست و یک سالگی، به مدت دو سال مکلف به خدمت سربازی شدند. البته به خاطر بحران‌های متعدد در سال ۱۳۰۵، فرماندهان نظامی ناچار شدند کار سربازگیری را موقتا به تعویق اندازند. ولی از پائیز سال ۱۳۰۶، دولت، فعالیت‌های خود را از سر گرفت، اما کوشش‌های ارتش برای به خدمت گرفتن سربازان، با مقاومت گسترده و اغلب خشن روبه‌رو گشت (سید بنکدار ۱۳۸۸: ۱۰).

مطابق با اسناد و مصاحبه‌ها، به نظر می‌رسد؛ این سربازگیری در زرنند در دوران پهلوی دوم نیز همچنان با مشکلات عدیده‌ای مواجه بوده و داستانی با تعقیب و گریزهای فراوان داشته است. جوانانی که از سربازی گریزان بوده‌اند، مأمورانی که در تعقیب و جمع‌آوری ایشان تلاش داشته‌اند و کدخدایانی که موظف به همکاری با پاسگاه امنیه بوده و تاوان کوتاهی‌شان را به دولت و پاسگاه امنیه با تنبیهاتی که برای‌شان مقرر می‌شد، بازپس می‌دادند. سند زیر نمونه‌ای از این موضوع است:

رئیس دادگاه سیار زرنند سرهنگ دوم، دیباچی، به بخشداری زرنند

از بدو ورود دادگاه زرنند و تشکیل آن و احضار کدخدایان مربوطه، کدخدای قریه همت‌آباد-عباس‌آباد - محمدآباد (میرزا علی اکبر) برای گرفتن صورت اسامی مشمولین آماده به خدمت و اعزام آنان به دادگاه مراجعه نکرده و هر زمان که مأمورین به قریه مربوط مراجعه کردند، اظهار شد که به رفسنجان یا کرمان رفته‌است. درخواست جهت رسیدگی (ساکما ۴۶۰ / ۹۹/۲۹۳).

امیری نقل می‌کند: «روستاهای زرنند هر کدام کدخدای خود را داشتند. هر چند نفر کدخدا، زیر نظر یک کلانتر بودند. ایشان موظف به همکاری تنگاتنگ با نیروهای نظمی بودند در آن زمان، یکی از وظائف کدخداها کمک به ژاندارمری در تجمیع و فرستادن نفرات مشمول به خدمت نظام وظیفه بود. اهالی به یاد دارند، در یکی از آن سال‌ها در اکبرآباد، کسی مشمول نظام وظیفه نبود و در نتیجه گزارش کدخدا مبنی بر عدم وجود سرباز به ژاندارمری ارسال شده بود. افراد ژاندارمری به اتفاق رئیس ژاندارمری زرنند به اکبرآباد آمدند و کدخدا را به جرم نداشتن سرباز، فلک کرده و شام مفصلی هم در خانه‌اش خوردند و رفتند. جالبتر آنکه، آن روزها مردم چندان امکانات خورد و خوراک-شان مهیا نبود و کدخدا وقتی با این مهمانان ناخوانده مواجه شده بود از اهالی کمک خواست و پدرم خروسی کشت و به او داد تا بتواند از ایشان پذیرایی کند» (امیری ۱۳۹۴، مصاحبه).

۶. فعالیت: فعالیت یعنی نتیجه حاصل از نهاد (فکوهی ۱۳۸۶: ۱۶۸) سیاست‌های امنیتی هر واحد سیاسی، مبتنی بر «اهداف» و «اغراض» از پیش تعیین شده‌ای است که درک جوهره امنیت بدون توجه به آن غیرممکن می‌نماید. در این چشم‌انداز «امنیت» به مثابه یک مفهوم عملی، متشکل از سه عنصر اساسی است:

عنصر ناظر بر بازیگر (اغراض، نیت، آمال و اهداف)؛

عنصر ناظر بر زمینه عمل (اخلاقیات، قوانین و ضوابط اجتماعی)؛

عنصر ناظر بر فیزیک عمل (سیاست اتخاذ شده و به اجرا گذارده شده)

درک معنای امنیت متضمن فهم انگیزه‌ای است که بازیگران در مقام اجرای سیاست‌های‌شان آنرا دنبال می‌کنند. از این منظر بین «سیاست» (نمود ظاهری عمل امنیتی) با «انگیزه» بازیگر، ارتباط وثیقی وجود دارد (افتخاری ۱۳۸۳: ۷۸-۸۱). از دیگر سوی، سوی از انگیزه بازیگر، به عقیده جامعه‌گرایان، هویت مهمتر از عملکرد است، عمل بر وفق هویت دیرپا، فی‌نفسه امنیت‌ساز است و عمل گسیخته از غایت و گذشته، امنیت فاعل را در معرض خطر قرار می‌دهد (افتخاری ۱۳۸۳: ۲۱۳). با در نظر نگرفتن انگیزه‌های حاکمان دولت پهلوی، به عملکرد و فعالیت ایشان در حوزه امنیت می‌پردازیم.

ساختار حکومت پهلوی، بدون در نظر گرفتن بافت فرهنگی ایران و براساس انگیزه‌ها و غایت‌های خویش به تعریف و عملیاتی کردن سیاست‌های امنیتی در بخش‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی پرداخت و دایره فعالیت‌های دستگاه‌های نظمی و امنیه را مشخص کرد. بخشی از این سیاست‌گذاری‌ها را می‌توان بدین شرح دانست:

۱.۶ سیاست‌گذاری اجتماعی - فرهنگی امنیت در قالب طرح متحدالشکل کردن

البسه و کشف حجاب: حکومت رضاشاه، یکسان‌سازی پوشش مردان را وسیله‌ای جهت «تولید حس یک‌جهتی و اتحاد قلبی بین عموم افراد مملکت» و رفع «یکی از عوامل اختلاف و تشتت بین افراد» کشور - یعنی لباس‌های گوناگون - همچنین کاستن از مخارج تهیه لباس و نیز تهیه پوششی که مانع کار و فعالیت ایرانیان نباشد، معرفی کرد (جعفری و اسماعیل‌زاده ۱۳۷۱: ۵۶). اما در این فرایند، فرهنگ مردم را از نظر دور داشت. چنانچه در مشاهدات و خاطرات ابوالمجد حجتی نیز اشاره شده؛ لباس ایرانی اعم از چادر، عبا و قبا، در عمل بسیاری از خانواده‌ها نوعی ستارالعیوب بود، فقر و نداری خانواده را می‌پوشاند، حافظ شخصیت پدر به عنوان نان‌آور خانواده بود، جیب‌های قبا و پرشال، نقش کیف دستی و خرید را بازی می‌کرد و بیگانگی مشاوران رضاشاه با نحوه زندگی اکثریت مردم ایران، موجب اتخاذ چنین سیاستی شده بود (حجتی ۱۳۷۷، ۱۷۴-۱۷۰). قانون متحدالشکل شدن البسه اتباع

ایران در داخل مملکت را در جلسه ششم دی ۱۳۰۷ مجلس شورای ملی به تصویب رسید. طی آن مقرر شد در کلیه اتباع ذکور ایران که به موجب مشاغل دولتی، دارای لباس مخصوص نیستند، ملبس به لباس متحدالشکل شوند. از بررسی فصول و آیین‌نامه اجرائی مصوب مشخص می‌شود که غرض از لباس متحدالشکل کلاه پهلوی و همه نوع لباس کوتاه، شامل نیم‌تنه و پیراهن و شلوار و ممانعت از بستن شال بوده است. سپس حکومت رضاشاه برای کسب تسلط بیشتر بر روحانیون، سختگیری بر طلاب را نیز وجهه همت قرار داد و بعدها اعلام رسمی کشف حجاب نمود (منظورالاجداد ۱۳۸۰: ۱۷-۹). رضاشاه با هدف تشکیل دولت مدرن و الگوبرداری از قدرت‌های برتر بنا به روحیه نظامی‌گری، بدون ملاحظه فرهنگ مردم و با اتخاذ سیاست متحدالشکل کردن البسه، مقوله امنیت را در قالب سه غرض وارد مسائل مملکتی نمود: ۱- برتری بلامعارض، ۲- توسعه قدرت و ۳- حفظ وجود (افتخاری و نصری ۱۳۸۳: ۸۱-۷۸).

نیروهای امنیه (شهربانی) عوامل اجرائی نمودن طرح کشف حجاب بودند. طرح کشف حجاب با مداخله دادن کارکنان نهادهای امنیتی و کدخداهای مناطق روستائی، مردم و حکومت را در مقابل بن‌مایه‌های فرهنگی و مذهبی قرار داد. یکی از فعالیت‌های تعریف شده در طرح مقابله با حجاب بانوان، جشن‌های چادربرداری یا به عبارتی جشن کشف حجاب بود که بایستی توسط کدخدایان روستاها برگزار می‌شد تا نشانگر اطاعت از امر رضاشاه در راستای انگیزه‌های اعمال تغییرات ساختاری در هویت و فرهنگ مردم و تحقق اهداف حکومتی باشد. بخشداری، پاسگاه امنیه و کدخدایان شهرستان زرنند نیز از این مقوله مستثنی نبوده‌اند، اسنادی دال بر همکاری و یا عدم همکاری مأمورین و نیز اطاعت و یا سرپیچی مردم از این اقدام موجود است. علاوه بر مأمورین حکومتی و کدخدایان، کسبه و دکانداران بازاری نیز در این اقدام مجبور به همکاری بودند. مأموران نظمی از ایشان تعهد کتبی می‌گرفتند که نسبت به فروش چادر و شال به بانوان عقیف شهرشان اقدام ننمایند. یکی از اسناد دلالت بر تعهد جمعی از کسبه مورخ ۱۳۱۴/۱۱/۳۰ دارد که در آن چنین آمده است:

ما امضاءکنندگان ذیل ملزم و متعهدیم که چنانچه از تاریخ فوق، دیده شود که به یک نفر زن با داشتن چادر، تنخواهی [جنس] فروخته یا معامله نمودیم هر یک نفر از ما که

بررسی کارگرایانه رابطه فرهنگ، اقتصاد و ... (محمد سجاد شیرویدی و دیگران) ۷۹

برخلاف این مقرر رفتار کردیم به مبلغ پنجاه و دو ریال جریمه و هشت روز حبس تأدیبی محکوم و بلااستثناء به موقع اجرا گذارده شود (کرمان در آئینه تاریخ، ۱۳۷۶: سند ۱۸).

تعیین مهلت برای روحانیون جهت متحدالشکل شدن و دعوت از کارکنان ساختار و عموم مردم با تأکید بر همراهی همسران شان بدون حجاب در جشن میلاد رضاشاه (ساکما ۴۳۰-۲۹۳-۹۹) از دیگر اسناد مشاهده شده در این تحقیق است.

علی‌رغم همه فشارها و اجبارهای دولت در کشف حجاب از سر زنان این شهرستان، بازهم شاهد اسنادی هستیم که مبارزه زنان با این طرح را نشان می‌دهد. فهم این مبارزه پنهان مردمی در گریز از منشورها و فعالیت‌های نهادهای امنیتی را می‌توان از مصاحبه‌های میدانی با افراد کهنسالی که خود شاهد آن روزگار بوده‌اند دریافت:

دو نفر از افراد بد اخلاق و شرور کوهبنان را مامور برداشتن حجاب از سر خانم‌ها گذاشته بودند. سعی می‌کردیم کمتر از خانه خارج شویم. حتی حمام رفتن مان در طول هفته را برای ساعات آخر شب گذاشته بودیم و به ازایش پول بیشتری به حمامی می‌دادیم تا نیمه‌های شب حمام را برای مان باز کند. شب‌هایی که راهی حمام بودیم پدرمان، ما را تا دم در حمام عمومی محله همراهی می‌کرد و منتظر می‌ماند تا برگردیم (آل‌طه کوهبنانی ۱۳۸۱، مصاحبه)

و البته نایبستی این رابطه دوسویه در عدم تبعیت از حکومت در اجرای طرح کشف حجاب در اسناد زرنند را از نظر دور داشت. چنان‌که برخی از مامورین امنیتی آن منطقه نیز بر اجرای دستور کشف حجاب - که با ساختار اعتقادی ایشان همخوانی نداشت - وقعی نمی‌نهادند. نمونه آن مکاتبه بخشدار زرنند با رئیس پاسگاه امنیه زرنند است:

دنباله شماره ۳۴۹ مورخه ۱۷/۲/۱۴ با دستورات مکرری که از طرف مقامات مربوطه صادر گردیده، باز، دیده می‌شود خانم‌ها با شال و چارقد در کوچه و بازار آمد و شد می‌نمایند. در صورتی که خود شما می‌دانید، کلمه‌ای که امروزه، نظر اولیای دولت را به خود جلب می‌کند همین موضوع کشف حجاب است. و آنهم در زرنند ابدأ تأثیری نکرده و از طرف آن پاسگاه، هیچگونه اقدامی به عمل نیامده است که باعث بر این گردد که دیگر، خانم‌ها در موقع عبور با داشتن چارقد و شال گردن عبور نمایند، جلوگیری نموده چگونگی را گزارش دهید که به مقام جناب آقای فرماندار گزارش شود. بخشدار زرنند (کرمان در آئینه تاریخ ۱۳۷۶: سند ۵۱).

البته سختگیری بر روحانیون، وجوه دیگری داشت از جمله: رضاخان با تشکیل وزارت دارایی و در پی وادار کردن مجلس به تصویب قانون وقف، رسماً فروش موقوفات را که پیش از این، در دست روحانیون بود، آغاز کرد. این موضوع، موجب قدرت اقتصادی روحانیون و باعث به حاشیه تر رفتن فرهنگ مذهبی و مزید بر تنزل بیشتر امنیت اجتماعی گردید. (آبادیجو ۱۳۹۹: ۷)

۲.۶ امنیت در سیاستگذاری اقتصادی با ساماندهی دریافت مالیات: از سال ۱۳۲۴

امنیت اقتصادی در دستور سیاسی کشورها قرار گرفته است. در یک تعریف ساده، امنیت اقتصادی عبارتست از؛ میزان حفظ و ارتقاء شیوه زندگی مردم یک جامعه، از طریق تأمین کالاها و خدمات، خواه در بعد داخلی یا بین‌المللی. امنیت اقتصادی، اصولاً ایجاد و تثبیت یک بستر، جهت انجام فعالیت‌های اقتصادی است که بدون وجود آن عملاً فعالیت‌های اقتصادی، شکل سالم خود را از دست داده و تخصیص منابع صورت نمی‌پذیرفت. به عبارت دیگر، سرمایه‌گذاری اقتصادی مستلزم تأمین اقتصادی در کلیه شئون مربوط است (رسولی ۱۳۹۱: ۱۲۷). در دوره پهلوی اول با پیدایش ساخت قدرت مطلقه مبنی بر نیروی ارتش جدید، اهمیت سیاسی اشراف زمین‌دار کاهش یافت. از دیگر ویژگی‌های ساخت دولت مطلقه، اقدامات حکومت در زمینه دخالت در امور اقتصادی به منظور اعمال نظارت بر منابع مالی قدرت بود (شیرودی ۱۳۸۴: ۱۲۲). آنچه مسلم است، امنیت اقتصادی، با دیگر ابعاد امنیت مانند امنیت انتظامی، امنیت قضائی و امنیت اجتماعی ارتباط علت و معلولی دارد و لازمه حصول امنیت اقتصادی توجه جدی به دیگر ابعاد امنیت است (رسولی ۱۳۹۱: ۱۲۸).

امروزه توزیع مجدد درآمد و حفظ عدالت اجتماعی از اهداف عمده‌ی اقتصادی است که اکثر دولت‌ها آن را دنبال می‌کنند. مالیات، ابزاری است که می‌تواند توزیع مجدد ثروت در جامعه را عادلانه کند و از گسترش فاصله طبقاتی میان دهک‌های مختلف درآمدی جلوگیری نماید. در همین حال از یک طرف نظام مالیاتی کارآمد می‌تواند از بروز مفاسد اقتصادی جلوگیری نماید (رسولی ۱۳۹۱: ۱۲۳). اما بایستی، چگونگی اخذ خراج (مالیات) و شیوه‌ای که عمال دولت با خراج‌گزاران باید رعایت کنند (را مدنظر داشت) و نظر (هدف و انگیزه) اصلی حاکم باید عمران بلاد و دلخوش نگهداشتن مردم باشد (قربانی ۱۳۸۸: ۱۰۹).

سیاست‌گذاری‌های اقتصادی حکومت پهلوی برای ساماندهی اخذ مالیات، یکی دیگر از فعالیت‌های نهادهای امنیتی را مشخص ساخت. در این فرایند بر منشوری معین، این نهادها به عنوان بازوان و کارکنان ساختار حکومتی وارد میدان شدند. هرچند که کلیت این اقدام در راستای تأمین امنیت اقتصادی کشور قرار می‌گیرد اما عملیاتی کردن آن بنا به عدم شناخت مردم از اهداف حکومت و روش‌های نامناسب ساختار برای اجرائی کردن این طرح، مقابله‌های مردمی را در پیش داشت که اسناد مشاهده‌شده دلالت‌هایی برای این مهم دارد.

مخالفت‌ها و استقامت‌های مردمی در پرداخت مالیات، اخاذی‌ها و زورگیری‌های مأموران امنیه از مردم زرنند (مشا، ۰۰۰۴-۰۴۸۵۷-۲۰)، سنگینی بار مالیات بر اساس میزان درآمد و در نظرنگرفتن مشکلات اقتصادی مردم در زمان پرداخت مالیات (ساکما، ۴۳۲/۱۰۱/۲۴۰) گریزهای مردمی از پرداخت مالیات و مبادرت به انجام امورخلاف برای مخفی کردن اموال‌شان (ساکما ۳۵۳۵۰/۲۴۰) شکایت یک مرد ۷۰ ساله از زرنند در سال ۱۳۱۷ در خصوص پرداخت مالیات از بازرسین اداره مالیه که به اجبار مبلغ دوازده ریال از جیب وی بیرون آورده‌اند و جریمه‌شدن وی از سوی دادگاه به دلیل تشخیص قاچاق پنبه و پشم (که سه درصد مالیات نیز به آن تعلق می‌گرفته) توسط مرد خاطی، شکایت از بی‌عدالتی در دریافت مالیات از طبقات مختلف مردم (ساکما ۱۰۱۲۳۴-۲۴۰) - شکایت ۳۵ نفر از اهالی زرنند در سال ۱۳۱۳ از کوتاهی مأمورین مالیه در دریافت مالیات از یکی از آبادی‌ها که متعلق به شخصی نزدیک به دولت است و دوگانگی در دریافت مالیات آبادی‌ها و مساعدت مأمورین در تغییر نام روستا و پاسخ اداره مالیه نسبت به جدیدالاحداث بودن و مشمول نشدن ده در پرداخت مالیات آن سال، نشانگر بستر نامستعد فرهنگ سیاسی و ناهمخوانی ساختار سیاسی و اقتصادی حاکم بر عواملان دوسویه پیاده‌سازی پرداخت مالیات (مردم و دولت) و ضرورت تصحیح زیر ساخت‌های اقتصادی کشور در دوران پهلوی اول است.

این ساماندهی مالیاتی جهت تحقق امنیت با اهداف خاص دولت رضا پهلوی بود. مجله کلاه در ۱۳۰۱ از جمله اهم اصلاحات ضروری و فوری برای قرارگرفتن اصلاحات مملکت در جاده‌ی تمدن و ترقی را چنین برمی‌شمارد:

تقویت دولت مرکزی و فراهم آوردن اسباب دوام و استحکام آن و ایجاد امنیت محکم، ولو موقتی در مملکت، به هر ترتیبی که ممکن شود تا سکون و فراغت بالای پیدا شده و هوا برای نقشه‌های اساسی اقدامات ملی صاف شود (آصف ۱۳۸۴: ۱۶۷).

در سال ۱۳۰۰ حدود ۲۰۰ نوع مالیات مختلف وجود داشت. در میان آنها مالیات‌هایی بود که به مأمورین محلی و غیره که الزاماً در میان مأمورین اداره مالیات نبودند، پرداخت می‌شد و در بسیاری موارد به صورت محلی جمع‌آوری می‌گشت و تمام و یا قسمت اعظم حقوق مأمورینی را که خود جمع‌کنندگان آن بودند، تشکیل می‌داد (لمبتون ۱۳۸۱: ۱۱۸). رژیم پهلوی اول، نظام مالیاتی ایران را به گونه ای سامان داد که طریق آن، بر درآمدهای دولت افزود (کرونین ۱۳۸۳: ۱۱). نمونه این مورد در زرنند در مجموعه اسناد ساکما ۳۸۷۷۱-۲۴۰ دیده می‌شود. در این مجموعه آمار درآمدهای ماهیانه بخش‌ها و شهرستان‌های استان کرمان در دفترهای مالیه اداره مالیه کرمان به تفکیک نوع درآمدها درج شده است.

۳. نتیجه‌گیری

۱. جامعه با اعطای امتیازاتی نظیر آزادی، پرداخت مالیات و ... به دولتی که خود به وجود آورده، قدرت سیاسی را در اختیار وی می‌گذارد تا نهادهای مختلف فرهنگی و اقتصادی را ایجاد کند و قوانین، ضوابط و منشورهایی را برگزیند که تأمین‌کننده استقلال، امنیت و دیگر نیازهای جامعه باشد. اعطای نیاز آزادی سیاسی و استقلال اقتصادی از سمت جامعه و اعطای نیاز امنیت از سمت دولت، همانند آن چیزی است که در قرارداد اجتماعی روسو آمده است. گاه حاکمان جامعه به‌ویژه اگر از یک گروه و دسته خاص سیاسی باشند چون رضاخان و روشنفکران همراه او، می‌توانند امنیت جامعه و کشور را با امنیت گروه خود جابه‌جا کنند یا گره بزنند. هر اندازه که ارزش‌ها بر جامعه حاکم باشد و هر اندازه گروه‌گرائی‌ها و قدرت‌طلبی‌ها بر جامعه حاکم نباشد، به همان اندازه، هیئت حاکمه با امنیت کشور و مردم همسان می‌شوند و همدلی و هم‌راستایی مردم با حکومت، موجب ارتباط مستمر بین مردم و مسئولان می‌شود. این وفاق و همدلی، همبستگی و تعادل، در زیر سایه غنای فرهنگی، بی‌نیازی اقتصادی و اقتدار مشروع حاصل می‌گردند، اقتداری که مردم نیز آن را پذیرفته و یک تعهد دو جانبه را در آن می‌یابند. نتیجه چنین شرایطی، امنیت و نظم اجتماعی و اقتصادی خواهد بود که معین‌کننده مشروعیت اقتدار، ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه است که به قول وبر از «تار و پود فرهنگ»

برمی‌خیزد. در واقع، گذار از دوران‌های مختلف تاریخی و اعمال تغییرات و تحولات در ساختار جوامع با کارکردهای مناسب چه به صورت آشکار و چه به صورت پنهان، حتی با عنوان حیاتی‌ترین نیاز آنها یعنی امنیت، بدون در نظر داشتن فرهنگ و اقتصاد به مثابه تعیین‌کننده‌ترین عناصر هویت اجتماعی میسر نخواهد بود، از این رو است که حکومت پهلوی اول در اجرای قانون کشف حجاب که مغایر با فرهنگ و اعتقادات مردم و نیز مردم زرنند کرمان بود با مشکلات جدی مواجه گردید لذا بسیار کوشید با ابزار زور نظامی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی از قبیل تعهد گرفتن از دکان داران در عدم فروش چادر به زنان، کشف حجاب را پیاده کند اما به کارگیری زور، به کاهش مشروعیت رژیم منجر گردید.

۲. امنیت به عنوان یک نیاز، نیروهای امنیتی و نظامی را به عنوان نهاد حاصل از یک نیاز فرهنگی و اقتصادی، می‌توان دانست. محافظت و حراست از یک جامعه و نیز نظام ارزش‌ها و هنجارهای آن جامعه و ساختار، منطبق بر طرح یک منشور است که خود بر ساختی از نظام ارزش‌ها و هنجارهای آن جامعه می‌باشد و کارکنان این نهاد، منشور نهاد را عملیاتی می‌کنند. پژوهش حاضر نشان داد که نیروهای محلی نظیر کدخدایان، خانان و رعیت فلاح زرنند کرمان در بازه زمانی دوره پهلوی اول نیز، عناصری کارکردی از همین نهاد یا ساختارند. اسناد مشاهده شده دلالت بر قواعد و فرایندهایی دارد که ضوابط فعالیت کارکنان امنیه در زرنند کرمان را مشخص ساخته است. مطالعه فعالیت‌های نهاد امنیتی مورد مطالعه که با نظارت حکومت پهلوی همراه بوده است، نشان می‌دهد که در این ساختار، فعالیت نهاد امنیتی، نتیجه ارکان کارکردی یعنی منشور، کارکنان و ضوابط ساختار حاکمیتی آن جامعه یعنی پهلوی اول برای پاسخگویی به نیاز امنیت در ایران و از جمله کرمان بوده است. نیاز به امنیت تنها در پرتو نگاه درست به تاریخ فرهنگی و اقتصادی مردم زرنند میسر بوده است.

بر پایه نظریه کارکردگرای مالی‌نوفسکی، شناخت ساختار اجتماعی - فرهنگی جامعه با هدف تحقق فهم حاکمیت از مفهوم امنیت و چگونگی پاسخ به این نیاز بنیادین، نیازمند شناخت بافت فرهنگی ساختار یک جامعه و نیز عناصر و نیازهای مردم آن جامعه است. علاوه بر آن، کارکردگرایی معتقد است؛ فعالیت‌های فرهنگی و اقتصادی که انسان‌ها انجام می‌دهند و محرک‌هایی که برای اجرای آنها نظارت دارند، باید بر اساس میل یا گرایش بنیادین تحلیل شوند. پس، پیوستگی متقابل میان اجزای این کلیت بایستی در نظر گرفته شود در حالی که اقدامات رضاخان (شاه) در مقولاتی چون متحد کردن البسه، یک‌جانشین کردن عشایر، دولتی کردن اداره موقوفات و حتی غربی‌سازی ارتش جهت برقراری امنیت داخلی و خارجی با

فرهنگ دینی و ملی ایرانیان و حتی با عادت‌های اقتصادی آنان تطابق نداشت. این عدم تطابق، در تهران و شهرهای بزرگ کمتر و در شهرهای کوچک و دور افتاده ای چون زرنند کرمان، بیشتر بوده است.

۳. در این جستار، مفهوم امنیت متکی بر کارکردگرایی در چارچوب نظری کارکردگرایی و متکی بر یافته‌های میدانی مستخرج از تکنیک‌های مشاهده در واحد اسنادی، مصاحبه و مطالعه منابع کتابخانه‌ای صورت گرفت. بر اساس روش تحلیل مضمون، مبانی نظریه کارکردگرایی در مطالعه موردی شهرستان زرنند در دوره پهلوی اول عناصر اصلی برای پاسخ به نیاز امنیت در نهاد امنیتی آن دوران که تابعی از ساختار حکومتی بوده است، به شرحی که آمد مورد شناسایی و طبقه‌بندی قرار گرفت. زرنند کرمان در دوره پهلوی اول یک شهر با اعتقادات مذهبی قوی و با یک تاریخ اقتصادی قدیمی است. تحمیل امنیتی که چندان رنگ و بوی بومی، محلی و حتی ملی ندارد، برای برپایی یک نظم پایدار و نهادینه شده با مشکل مواجه است از این رو است که موارد متعددی دیده شده که ماموران نظامی که به امر دولت یا با فشار رژیم یا به دلیل دریافت پول و پاداش، چادر را از سر زنان می کشیدند، پس از سقوط رضاخان(شاه) توبه کردند یا از کرده‌ی خود چنان دچار عذاب وجدان شدند که کوشیدند از زنانی که چادرشان را به زیر کشیدند، حلالیت بطلبند؟! به علاوه، در الگو نظم‌بخشی رضاخانی تاریخ فرهنگ و اقتصاد مردم چندان نقشی ندارند در حالی که امنیت بدون مردم و تاریخ‌شان حتی با ارتش‌های نیرومند، امکان بقا درازمدت را ندارد.

۴. در این پژوهش مشاهده می‌شود که مفهوم امنیت در ساختار حکومت پهلوی تنها براساس انگیزه و اهداف حاکمیت وقت بدون در نظر داشتن بستر فرهنگی-اقتصادی و نیز بدون توجه به گرایش‌های بنیادین فرهنگ عمومی و اقتصاد عمومی صورت گرفت و به همین دلیل تضادها و تعارضاتی را در خود داشته که گاه امنیت را از کارکرد به یک کژکارکرد برای ساختار جامعه مبدل می‌ساخت، نظیر آنچه که ذیل سیاستگذاری‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ذکر کرده ایم. تناقض فهم حاکمیت از نیاز امنیت با فهم مردم از امنیت موجب نتایج معکوس در این فرایند پاسخ‌گوئی بوده است. در نهایت هر کدام از عناصر اصلی کارکردی یعنی ارزش‌ها، هنجارها، تعهد، نظم اجتماعی، وفاق، اقتدار مشروع، همبستگی و تعادل در تدوین منشور-اهداف اعلام‌شده نهاد و یا ساختار- و اجرای فعالیت‌های با هدف پاسخ به نیاز امنیت، منجر به تضاد درون ساختار شده و در نهایت حفظ موجودیت و رابطه کارکردی اجزاء در یک یا چند سطح از جامعه انسانی را تضعیف کرد. دلالت‌های این شرایط را در طرح کشف حجاب، و نیز

فرایند سربازگیری و یا گردآوری مالیات در مناطقی چون زرنند کرمان را می‌توان مشاهده کرد. واکنش و مخالفت مردم مذهبی و سنتی زرنند کرمان تنها با حجاب نبوده است بلکه این مغایرات در همه زمینه‌های دولتی و حکومتی دیده شده و این نشان از آن دارد که نه تنها در مقوله فرهنگ بلکه در وجوه دیگری انطباق کمی بین ارزش‌های فرهنگی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی رژیم با مردم وجود داشته است. تأسیس انجمن تبلیغات اسلامی و تأسیس جمعیت پیروان قرآن در سال‌های پس از رضاخان کوششی بود برای جبران همین تغایرها و تضادها؟!

۵. رابطه امنیت (مانند: نظامیان، پاسگاه، امنیه، ارتش و ...) و اقتصاد (مانند: زمین‌داران، کدخدایان، کسبه، مالیه و ...) و فرهنگ (مانند: مذهب، سنت، عرف، زبان، هویت و ...) از یک سو، از عناصر اصلی در روش‌شناسی کارکردگرایانه مالینوفسکی است که به درجات مختلف در آن، تبلور و تجلی یافته است و از سوی دیگر، روش‌شناسی کارکردگرایانه مالینوفسکی، قدرت و توانایی خود را در تبیین و تشریح این رابطه سه وجهی در زرنند کرمان را از خود نشان داده است. البته انتظار این که چنین روشی بتواند کاملاً رویکردهای اقتصادی، امنیتی و فرهنگی را در زرنند کرمان دوره پهلوی اول تفسیر کند، کاملاً علمی نیست اما روش‌شناسی کارکردگرایانه مالینوفسکی با این که برای تحلیل و مطالعه موارد جزئی چون زرنند کرمان آن هم در یک کشور جهان سوم، ارائه نشده اما کاربست آن بر تحولات اقتصادی، فرهنگی و امنیتی زرنند کرمان در دوره پهلوی اول، کامیاب بوده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. حضور کمپانی‌های خارجی در کرمان که از دوره قاجار آغاز شده بود مستقیم و غیرمستقیم در ایجاد این درگیری‌ها نقش داشته‌اند. انگیزه این درگیری‌ها اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی بوده است. (مقنی‌پور و رحمانی ۱۴۰۱: ۴)

۲. امام علی (ع) برای عاملان نظم و امنیت چهار نقش عمده و اصولی قائل است: حافظان و پناهگاه رعیت؛ زینت زمامداران؛ عزت و شوکت دین؛ عزت و شوکت راه‌های امنیتی (دشتی ۱۳۸۷: ۳۱۳).

کتاب‌نامه

الف - کتاب و مقاله

آبادیجو، زهره (۱۳۹۹). بررسی وضعیت وقف در شهرستان راور در دوران قاجار و پهلوی، پایان‌نامه، دانشگاه الزهراء.

۸۶ تحقیقات تاریخ اقتصادی ایران، سال ۱۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲

- آگاه، علی (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۴). "عوارض جنگ جهانی دوم در کرمان" دو ماهنامه بخارا، شماره ۴۲، ص ۲۳۷-۲۳۵.
- ابراهیمی، شهروز (تابستان ۱۳۷۹). « تحول مفهوم امنیت: از امنیت ملی تا امنیت جهانی»، مجله سیاست دفاعی، شماره ۳۱، ص ۱۳۱-۱۱۷.
- افتخاری، اصغر و نصری، قدیر (۱۳۸۳). روش و نظریه در امنیت پژوهی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- امیری زرنندی، نعمت الله (۱۳۹۵). «بازخوانی تاریخی و فرهنگی نظم و امنیت در شهرستان زرنند» مصاحبه، اردیبهشت ۱۳۹۴.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۹). تاریخ ایران مدرن، تهران، نشر نی.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۳). ایران بین دو انقلاب، احمد گل محمدی و محمد ابراهیمی، تهران، نشر نی.
- آصف، محمدحسن (۱۳۸۴). مبانی ایدئولوژیک حکومت در دوران پهلوی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- آلّطه کوهبنانی، فاطمه (۱۳۹۵). «بازخوانی تاریخی و فرهنگی نظم و امنیت در شهرستان زرنند»، مصاحبه، فروردین ۱۳۸۳.
- بابالیان، مجید؛ رادبین، علیرضا (۱۳۹۳). «امنیت فرهنگی در جامعه اسلامی از منظر نهج البلاغه»، مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره ۱۰۱، ص ۵۰-۲۱.
- بسطامی، رضا (۱۳۸۵). «ژاندارمری ایران»، نشریه زمانه، شماره ۵۲، ص ۵۶-۳۹.
- بیتس، دانیل؛ پلاگ، فرد (۱۳۹۰). انسان شناسی فرهنگی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر علمی.
- ترابی، یوسف (۱۳۸۴). «نظام وظیفه عمومی در ایران؛ مسائل و پیشنهادها»، گزارش علمی، دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران.
- جعفری، مرتضی و دیگران (۱۳۷۱). واقعه کشف حجاب در عصر رضاخان، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی و موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.
- حجتی، ابوالمجد (۱۳۷۷). عبور از عهد پهلوی، درگیر و دار دو فرهنگ، بی نا، انتشارات محسن.
- دشتی، محمد (۱۳۸۷). ترجمه نهج البلاغه حضرت امیرالمومنین، تهران، اسلام.
- رسولی، کریم؛ فرزین وش، اسدالله (تابستان ۱۳۹۱). «بررسی رابطه بین امنیت اقتصادی و درآمدهای مالیاتی؛ شواهدی از کشورهای منا»، فصلنامه اقتصاد کاربردی، تابستان، شماره ۹، ص ۱۵۴-۱۲۳.
- روسو، ژان ژاک (۱۳۴۱). قرارداد اجتماعی، ترجمه غلامحسین زیرک زاده، تهران، سهامی چهر.
- روزنامه شرق، ۶ اسفند ۱۳۹۳، کد خبر ۳۹۲۷۲۷.
- سعیدی مدنی، سید محسن (۱۳۸۶). شکل‌گیری و توسعه نظریه‌های کلاسیک در انسان‌شناسی، یزد، دانشگاه یزد.

بررسی کارکردهای رابطه فرهنگ، اقتصاد و ... (محمد سجاد شیرودی و دیگران) ۸۷

سهرابی زرنندی، حسن (۱۳۸۵). از زرنند تا زراوند، به کوشش مهدی سهرابی زرنندی، کرمان، انتشارات ولی. سیدبنکدار، سیدمسعود (پاییز ۱۳۸۸). «برقراری نظام سربازگیری در اصفهان دوره پهلوی اول»، گنجینه اسناد، شماره ۷۵، ص ۷-۱۴.

سهرابی زرنندی، مهدی (۱۳۹۵). "موقعیت مذهبی زرنند تا ۱۳۵۷"، صدای زرنند، ۲۶ آبان، قابل دسترسی در: <https://sedayezarand.ir>

شیرودی، مرتضی (۱۳۸۴). «گزارشی از کتاب موانع توسعه سیاسی در ایران»، فصلنامه رواق اندیشه، شماره ۴۳، ص ۱۳۰-۱۱۹.

عمید، حسن (۱۳۶۳). فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر.

فراهانی، محمد (۱۳۸۴). جامعه شناسی فساد و امنیت، تهران، پرسمان.

فکوهی، ناصر (۱۳۸۶). تاریخ اندیشه و نظریه های انسان شناسی، تهران، نشر نی.

فکوهی، ناصر (۱۳۹۵). «گفتگو درباره خدمت نظام وظیفه عمومی»، سایت اینترنتی انسان شناسی و فرهنگ، قابل دسترسی در: <https://vazifeh.police.ir>

قربانی، زین العابدین (۱۳۸۸). منشور مملکت داری در نامه امام علی (ع) به مالک اشتر، تهران، سلار.

کرونین، استفان (۱۳۸۳). رضاشاه و شکل گیری ایران نوین، ترجمه مرتضی ثابت پور، تهران، جامی.

کوئن، بروس (۱۳۹۱). مبانی جامعه شناسی، ترجمه غلام عباس توسلی و رضا فاضل، تهران، سمت.

لمبتون، آن.ک.س (۱۳۸۱). سیری در تاریخ بعد از اسلام، یعقوب آژند، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم. مالدینوفسکی، پرونیسلاوا (۱۳۸۴ الف). نظریه ای علمی در باره فرهنگ، ترجمه عبدالحمید زرین قلم، تهران، گام نو.

مالدینوفسکی، پرونیسلاوا (۱۳۸۴ ب). نظریه علمی فرهنگ و چند مقاله دیگر، ترجمه منوچهر فرهمند، تهران، مرکز بین المللی گفتگوی تمدن ها.

مکی، حسین (۱۳۷۴). تاریخ بیست ساله ایران، تهران، انتشارات علمی، ج ۴.

مقنی پور، مجیدرضا و رحمانی، اشکان (۱۴۰۱) (پاییز و زمستان ۱۴۰۱). "واکاوی عوامل بومی و محلی تأثیرگذار در تحولات قالی کرمان از اواخر دوره قاجار تا پایان دوره پهلوی اول"، پژوهش نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، شماره ۲، ۳۳۵-۳۵۶.

منظورالاجداد، محمدحسین (۱۳۸۰). سیاست و لباس، تهران، سازمان اسناد ملی ایران.

نائینی، علی محمد (۱۳۸۵). «مطالعات عملیات روانی»، مجله مطالعات عملیات روانی، شماره ۱۴، ص ۱-۶.

نیکپور، مجید. (۱۳۷۶). کرمان در آئینه تاریخ، تهران، ناشر سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

اسناد:

۸۸ تحقیقات تاریخ اقتصادی ایران، سال ۱۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما): پرونده شماره: ۹۹-۲۹۳-۴۶۰ / پرونده شماره: ۴۳۰-۲۹۳-۹۹ / پرونده شماره: ۲۴۰-۱۰۱-۲۳۴ / پرونده شماره: ۲۴۰-۱۰۱-۴۳۲ / پرونده شماره: ۲۴۰-۱۰۱-۳۵۳-۵۰ / پرونده شماره: ۲۴۰-۳۸۷-۷۱

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (مشا): پرونده شماره: ۲۴۰-۱۰۱-۴۳۲ / پرونده شماره: ۲۴۰-۱۰۱-۲۳۴ / پرونده شماره: ۲۴۰-۳۵۳-۵۰ / پرونده شماره: ۲۴۰-۱۰۱-۲۳۴ / پرونده شماره: ۲۰-۰۴۸۵۷-۰۰۰۴